

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی
در آیین گشایش کنفرانس بین المللی فناوری هسته‌ای

پایبندی ما به رژیمهای عدم اشاعه از موضع باورمندی ماست

خدمت حضار و میهمانان گرامی سلام و خیر مقدم عرض می‌نمایم و حضور و مشارکت شما را در این گردهمایی خوش آمد می‌گوییم. خوشحالم که برگزاری چنین نشستی، امکان پرداختن به برنامه‌ی هسته‌ای ایران را در فضایی عالمانه و به دور از اغراض سیاسی و جنجالهای تبلیغاتی فراهم آورده است.

این گردهمایی فرصتی است تا بعد از گذشت قریب به دو سال از قرار گرفتن برنامه هسته‌ای ایران در دستور کار شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، همه ما نگاهی جامع به حاصل مجموعه‌ی فعالیتهای همه اطراف ذی ربط داشته باشیم. با توجه به اینکه مسئله انرژی هسته‌ای ایران با اقتصاد ملی، فن‌آوریهای پیشرفته کشور، غرور ملی و حتی به دلیل تهدیدات برخی از کشورها با امنیت ملی سروکار دارد، همه مردم ایران این مسئله را با اهمیت دنبال می‌کنند.

علاوه بر این جامعه‌ی ایران، جامعه‌ای باز و گفتمان‌گرا است و تمام اقشار جامعه و نخبگان بحث و گفتگو در این زمینه را به دقت دنبال می‌کنند که تمامی این گفتگوها می‌تواند به تصمیم‌سازی بهینه کمک کند. این کنفرانس نیز در راستای تقویت گفتمان ملی ایران در زمینه

انرژی هسته‌ای است.

از طرف دیگر، مسئله انرژی هسته‌ای ایران در حال حاضر تبدیل به یکی از مباحث مهم بین‌المللی شده و تمامی قدرتهای جهانی و منطقه‌ای آن را در کانون توجه خود قرار داده‌اند و روزی نیست که درباره آن بحثی، گفتگویی، ملاقاتی و خبری نباشد، در چنین فضایی که متأسفانه آغشته به انواع ناسره‌های خبری، تحلیلی و سیاسی است، تشکیل این کنفرانس اقدامی به موقع و عمیقاً سودمند است و فرصت مناسبی برای بررسی بی‌طرفانه مسائل هسته‌ای کشورمان می‌باشد. مباحث اینجانب در این جلسه، در چهار بخش به شرح آتی، مطرح می‌شود.

۱- سابقه برنامه هسته‌ای ایران

سه نکته است که توجه به آن می‌تواند وضعیت هسته‌ای ایران را بهتر روشن نماید:

الف - محوریت تصورات، در روابط بین‌المللی^۲

در واقع همیشه در سیاست بین‌المللی، تصویرها^۴ و تصورات و نحوه‌ی ادراک^۵ یکی از پایه‌های اصلی تصمیم‌گیری است. در حالی که این تصویرها و تصورات و نحوه‌ی ادراک ممکن است بر مبنای نادرستی ساخته شده باشند. اما زمانی که ساخته شدند، آن چنان مستحکم می‌شوند که تغییر آنها بسیار مشکل و گاهی ناممکن است.

مجموعه‌ی تصورات و تصویرهایی که از ایران بعد از انقلاب اسلامی مخصوصاً در غرب و به ویژه در آمریکا ساخته و پرداخته شده، ایرانی را ساخته‌اند که بسیار خطرناک، توسعه طلب و هنجارشکن است. انگیزه‌های این تصویرسازیها روشن است. در اثر همین تصویرسازیهای نادرست بود که غرب و آمریکا در جنگ تحمیلی صدام علیه ایران، در کنار رژیم بعثی قرار گرفتند. و اکنون نیز در قالب همین تصورات است که از وضعیت هسته‌ای ایران، آن چنان تصویری از انگیزه‌ی^۶ ایران عرضه می‌شود که گویا اولاً ایران در پی سلاحهای هسته‌ای است، ثانیاً آنها را کاملاً به دست آورده و ثالثاً بلافاصله در پی استفاده از آنها است. همین تصورات ناصحیح است که مبنای رفتار نامطلوب و غیرقابل قبول برخی از کشورها نسبت به ایران می‌باشند.

ب- تصویری که مردم ایران از غرب دارند

به دلیل فشارها و تحریمهای غرب به ویژه آمریکا علیه ملت ایران و اتهامات بی اساس علیه کشورمان، این فکر در میان مردم ما شکل گرفته است که غرب با توسعه، پیشرفت و تعالی کشور ما موافق نیست و ما عملاً در محاصره‌ی غرب قرار گرفته‌ایم و غرب با استقلال، توسعه و حاکمیت ملی ما همواره در ستیز دائمی است و آن را بر نمی‌تابد. این نظر، گاهی نسبت به نهادهای بین‌المللی تحت نفوذ غرب تسری می‌یابد و مردم برخی از قطعه‌نامه‌ها و مصوبات آنان نسبت به ایران را غیرعادلانه و حتی مغرضانه می‌دانند. لذا در طول ربع قرن گذشته، اساس سیاست ملی ما خوداتکایی، خودکفایی و نگاه به درون بوده است. این مسئله در زمینه انرژی هسته‌ای بیشتر صادق است. چون مردم شاهد آن بودند که ساخت نیروگاه بوشهر در اثر تعاملات غرب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و سیاست تحریم، حدود ۳۰ سال به طول انجامید و همین امر تبدیل به یک تجربه بسیار تلخ در سطح ملی در ایران شد. در سالهای اخیر نیز بر سر نهایی شدن قرارداد تأمین سوخت مدتها در حال کشمکش بودیم، که هنوز هم محموله‌ی سوخت به ایران ارسال نشده است.

در این شرایط است که وقتی دانشمندان جوان کشورمان توانستند به کلیدی‌ترین قسمت انرژی اتمی دست یابند، موضوع، تبدیل به موضوعی ملی شد و مردم با احساس غرور ملی نسبت به آن می‌نگرند. و لذا تصمیم‌گیرندگان کشور ما به طور مداوم با این سؤال مواجه هستند که در شرایطی که هیچ مساعدت بین‌المللی در کسب توان بومی هسته‌ای ارائه نشده است، چرا می‌بایست جمهوری اسلامی ایران خود را مکلف به تلاش برای رفع سوء تفاهمات و نگرانیهای احتمالی بداند.

از سوی دیگر شورای حکام آژانس نیز در برخورد با پرونده ایران درخواستهایی را طرح کرد که هیچ توجیه حقوقی ندارد و در تضاد با پادمان و اساسنامه آژانس می‌باشد. درخواست تعلیق غنی‌سازی و امضاء و تصویب پروتکل الحاقی از سوی شورای حکام از جمله‌ی این موارد است و بیش از آنکه کمکی به حل مسئله بنماید، بر سوءظن‌ها و تردیدها برای ادامه همکاری در ایران دامن زده است.

ج- نگرانی در مورد رفتار آمریکا

اکنون روشن شده است که گروهی که در آمریکا قدرت را در دست دارند در پی تک قطبی

کردن جهان از طریق ماجراجوییهای مختلف هستند. استدلال اصلی آمریکا برای حمله به عراق، کاملاً نادرست از آب درآمد و افکار عمومی جهان، نسبت به آنچه را که آمریکا در عراق انجام داد، به عنوان نمونه‌ای از رفتار غیر متمدنانه می‌نگرد. جنبش ضدجنگ در سراسر جهان گواهی این نظر است.

آمریکا در پی بهانه‌های مختلف نه فقط در پی ماجراجوییهای نظامی، بلکه برای اعمال نظرات هژمونیک خود و تنظیم قواعد نوین بین‌المللی است که در این زمینه یکی از موضوعات برگزیده، موضوع هسته‌ای ایران است. به طور خلاصه، جهان نگران رفتار غیر واقع‌گرایانه، سلطه‌جویانه، ایدئولوژیک و عصبی آمریکا است.

۲- اهداف و روش عملکرد جمهوری اسلامی ایران در دو سال گذشته

در این راستا، نسبت به پرونده هسته‌ای ایران دو نظر اساسی وجود داشت و دارد: الف- حل و فصل موضوع در چارچوب مقررات بین‌المللی در آژانس و عدم تبدیل آن به یک بحران.

ب- تبدیل مسئله به یک بحران و تشدید آن و بردن مسئله به سمت شرایط غیرقابل کنترل. اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان با نظر اول موافق بوده و هستند. ولی نظر دوم را تنها آمریکا دنبال می‌کند و گاهی هم، یکی، دو کشور را به دنبال خود کشانده است. در طول ۷۵ سال گذشته، نظر اول دستاوردهای مهمی برای جهان به همراه داشته است:

۱- ایجاد اعتماد جهانی نسبت به صلح‌آمیز بودن فعالیتهای هسته‌ای ایران آژانس در آخرین گزارش مکتوب خود به شورای حکام اعلام کرد که: «تمامی موارد هسته‌ای اعلام شده ایران از سوی آژانس مورد حسابرسی قرار گرفته و این مواد به سوی فعالیتهای ممنوعه منحرف نشده است.» این گزارش که در قطعنامه اخیر مورد تأیید شورای حکام نیز قرار گرفت، بهترین پیام برای ایجاد اعتماد افکار عمومی جهان نسبت به صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران بود. بنابراین از طریق همکاری نزدیک با آژانس، پاکدستی کشور به اثبات رسید و نگرانیهای بی‌اساس که توسط تبلیغات غرب به ویژه آمریکا به وجود آمده بود، بر طرف گردید.

۲- انجام اقدامات جبرانی نسبت به قصورهای گذشته که مورد تأیید قطعنامه اخیر شورای حکام قرار گرفت، که نشان دهنده حسن نیت ایران و تصمیم بر ایجاد فضایی

جدید در رابطه با آژانس و اجرای پادمان می باشد.

۳- امضاء و اجرای داوطلبانه‌ی پروتکل الحاقی که بر مبنای آن، ایران در زمان کوتاه تراز مهلت پیش بینی شده در پروتکل، اظهارنامه هزار و سی صفحه‌ای خود را در اختیار آژانس قرار داد. و این موضوع، بهترین تضمین برای صلح آمیز باقی ماندن برنامه هسته‌ای ایران در آینده خواهد بود.

۴- تقویت مقررات و نهادهای بین‌المللی به ویژه آژانس که در این روند توان فنی آژانس با اعمال دقیق‌ترین برنامه‌های بازرسی و راستی‌آزمایی به اثبات رسید و اکنون عملکرد آژانس در پرونده ایران، بهترین سند توانایی و قابلیت نهادهای چند جانبه‌ی بین‌المللی در پاسخگویی به نگرانیهای احتمالی جامعه بین‌المللی است و کاملاً بهانه را از دست یک جانبه‌گرایان گرفته است.

۵- حفظ ثبات و امنیت منطقه حساس خلیج فارس؛

منطقه ما، منطقه حساسی است و ایران دارای منافع و نقش سازنده در خلیج فارس، خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز و شبه قاره و آفریقا است و لذا با تدابیری که اتخاذ گردید سعی در مهار بحران شد تا ثبات و امنیت منطقه به مخاطره نیفتد.

چنانچه آمریکا موفق می‌شد نظر خود را بر روند مذاکرات و بر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحمیل کند، نه تنها بر ثبات و امنیت منطقه تأثیر منفی می‌گذاشت که عواقب آن برای کل منطقه نامعلوم بود بلکه بر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و چند جانبه‌گرایی نیز لطمه شدیدی وارد می‌شد. بنابراین از نظر دیپلماتیک ایران موفق شد توان و قدرت مذاکراتی خود را نشان دهد و دشمن را از نظر دیپلماتیک خلع سلاح نماید.

جمهوری اسلامی ایران در ظرف ۷۵ سال گذشته سه هدف مهم را دنبال کرده است:

۱- حفظ دست‌آوردهای علمی و فن‌آوری خود؛

۲- جلوگیری از ایجاد بحران؛

۳- ارتقاء احترام به قوانین بین‌المللی و مقررات عدم اشاعه؛

هدف اول: همه‌ی حلقه‌های مربوط به تولید سوخت هسته‌ای ایران به صورت صنعتی تکمیل شده است؛ از استخراج سنگ معدن گرفته تا تولید کیک زرد و تا تولید هگزافلوراید (UF₆) و ساخت ماشینهای غنی‌سازی و برنامه‌ریزی جهت عملیات غنی‌سازی. بنابراین ج.ا. ایران امروز به طور کامل بر این فن‌آوری مسلط شده است.

هدف دوم: از طریق همکاری کامل با آژانس، امضاء و اجرای پروتکل الحاقی و فعالیت دیپلماتیک با اعضای عدم تعهد، چین، روسیه، اتحادیه اروپا به ویژه سه کشور اروپایی، جلوی ایجاد بحران گرفته شد. البته در هر مقطعی از مذاکرات، آمریکا با این روند مخالفت نمود که خوشبختانه نه تنها موفقیتی به دست نیامد بلکه موجب انزوای وی نیز گردید.

هدف سوم: تعامل و همکاری جدی و فعال با آژانس تا از این طریق کارآیی مکانیسمهای بین المللی و چند جانبه گرایی تقویت شوند.

بنابراین، دیپلماسی هسته‌ای ما در چارچوب قانون و پایبندی به رژیم عدم اشاعه، معاهده N.P.T و پادمان و پروتکل الحاقی بوده، حال آنکه آمریکا و اروپا در نظر دارند فرا قانونی عمل کرده و بنا به ملاحظات غیر حقوقی، شمول ماده ۴ معاهده در خصوص حق لاینفک اعضای N.P.T در به کارگیری تکنولوژی صلح آمیز هسته‌ای از جمله غنی سازی و تولید سوخت را از ایران دریغ کنند. چنین درخواستی از ایران، بر تبعیضی که در N.P.T نهفته است مبنی بر اینکه دنیا را به دارندگان سلاح هسته‌ای و ندارها تقسیم شده است افزوده و می‌خواهند دنیا را به «دارها»، «دارنده‌ها» و «ندارهای» تکنولوژی صلح آمیز هسته‌ای تقسیم کنند. که چنین تبعیضی نه برای ایران و نه برای کشورهای در حال توسعه و نه برای برخی کشورهای صنعتی، قابل قبول نخواهد بود. مثلاً ژاپن اخیراً مخالفت خود را با پیشنهاد تعلیق ۵ ساله غنی سازی اعلام کرده است.

۳- وضعیت فعلی ما^۷

اساس بحث فعلی ما با اروپا تضمینهای عینی از یک طرف و تضمینهای محکم از طرف دیگر است. به هیچ عنوان بحثی پیرامون توقف با آنها نداریم چه اینکه بحث توقف غنی سازی، نه تضمین است، نه اعتماد آفرینی است و نه قابل قبول. اروپاییها به خوبی می‌دانند که ایران از اعمال حقوق مشروع و قانونی خود دست برنخواهد داشت.

در سفر اخیر به پاریس و برلین، با اروپا اشتراک نظر داشتیم که پیشرفت گروه کار هسته‌ای کند و نیاز به تحرک بیشتری دارد. ما فرمولی پیشنهاد کردیم تا تحرک لازم به وجود آید. پیشنهاد ما در چارچوب مقررات بین المللی و ارتقاء نقش «آژانس بین المللی انرژی اتمی» بود. گرچه عکس العمل پاریس و برلین کمی متفاوت بود ولی نتیجه مباحث این بود که اروپا نیاز به

7. where do we stand

بررسی بیشتر نسبت به فرمول پیشنهادی ما دارد.

پاسخ سه کشور به پیشنهاد ما در جلسه کمیته راهبردی که در ماه مارس (اوایل فروردین ماه) برگزار خواهد شد، مورد بحث و تبادل نظر قرار خواهد گرفت. علاوه بر فرمول پیشنهادی که در سفر اخیر به اروپا ارائه شد؛ چند فرمول سازنده و عملی دیگر نیز طراحی کرده ایم که در موقع مناسب در مذاکرات با اروپا مطرح خواهیم کرد. از نظر استدلال منطقی و حقوقی و تقویت رژیم عدم اشاعه سلاحهای کشتار جمعی، دست ما پُر است و چنانچه زمانی جزئیات این فرمولها و مباحث برای عموم مطرح شود، جهان متوجه خواهد شد که استدلالات ما منطقی، دقیق و حقوقی است و اروپا بنا به ملاحظات سیاسی و تبعیض آمیز به دنبال زیاده خواهی است. ما امیدواریم بتوانیم در مسیر مذاکره در مورد این فرمولها هر چه سریع تر به تفاهم برسیم به این دلیل که فرصت زیادی برای ادامه مذاکرات باقی نمانده است. البته چون مذاکرات در جریان است مایل نیستم وارد جزئیات این مباحث شوم.

بنابراین ایران ظرفیت انعطاف و توان بازی خود را در چارچوب قواعد بازی نشان داده و روشن شده است که هر چه آمریکامی خواهد، نه درست است و نه شدنی و نهایتاً تغییر تصورات و تصویرهای نادرست، اعتمادسازی و اتخاذ نگرش درست، مبنای تصمیم گیری صحیح است. تصویر اروپا از ایران تا حدی اصلاح شده است و این روندی است که ادامه خواهد یافت.

۴- چشم انداز آینده

پایبندی ما به رژیمهای عدم اشاعه مصلحتی و مقطعی نیست، بلکه بر مبنای محاسبات استراتژیک حاکم بر منطقه و معیارهای اخلاقی و انسانی استوار است. ایران به عنوان کشوری که خود قربانی سلاحهای کشتار جمعی است، احترام خاصی برای این مقررات قائل است و همواره آنها را مورد توجه قرار خواهد داد. علاوه بر این، مردم ایران از لحاظ دینی و اخلاقی سلاح کشتار جمعی را بر نمی تابند و از دیدگاه مذهبی، رهبر معظم انقلاب بر حرمت و ممنوعیت این سلاحها فتوا داده اند که این فتوا برای ما آثارش به مراتب بیشتر از قوانین بین المللی می باشد.

ایران به عنوان بزرگ ترین کشور منطقه از لحاظ جغرافیایی، انسانی و امکانات، عامل ثبات منطقه است و در پی منافع اقتصادی و سیاسی خود در منطقه است و نمی خواهد منطقه در مسیر رقابتهای تسلیحاتی قرار گیرد. بنابراین، ایران به دنبال حصول تفاهم با اروپا است به نحوی که

از یک طرف ایران بتواند سوخت هسته‌ای مورد نیاز خود را به صورت بومی تهیه کند و از طرف دیگر رژیم عدم اشاعه نیز تقویت شده و نگرانی از این بابت از بین برود. (البته فرصت ما در این زمینه محدود است).

تصور ما بر این است که در مسیر مذاکره، اگر فشار آمریکا نباشد، با اروپا در آینده‌ای نزدیک به توافق خواهیم رسید، زیرا احساس ما این است که اروپا علی‌الاصول به دنبال این نیست که ملت ایران را از حقوق مسلم خود محروم کند. اروپا می‌داند که اگر این کار را بر فرض محال بتواند انجام دهد، جایگاه بین‌المللی خود را برای همیشه از دست خواهد داد و در آینده هیچ کشوری در دنیا اروپا را به عنوان واسطه‌ای امین انتخاب نخواهد کرد. در نتیجه، حیثیت اروپا زیر علامت سؤال قرار خواهد گرفت. اروپا در این تجربه‌ی اول و مهم بین‌المللی خود تلاش خواهد کرد که عادلانه رفتار کند، این به شرطی است که فشارهای آمریکا چنین امکانی را فراهم سازد.

اگر روزی راه‌حلهای مورد نظر آمریکا برای تقابل انتخاب شود؛ خواه کشاندن موضوع به شورای امنیت، یا اعمال تحریم و یا تهدید نظامی، یقیناً هم اعتمادسازی و اقدامات داوطلبانه ایران کنار گذاشته خواهد شد و هم فرمول مربوط به تضمین عینی (که ایران آماده ارائه است) منتفی خواهد شد و حتی ممکن است نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصمیمات بالاتری اتخاذ نمایند و هم عواقب چنین روشی برای صلح و ثبات و امنیت منطقه غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. در این میان، آنکه ضرر می‌کند قبل از هر کشوری، آمریکا خواهد بود، زیرا بخش بزرگی از نفرت، نیروها و امکانات آمریکا در این منطقه گسترش دارند و در واقع، آمریکا به همسایه‌تحمیلی ما تبدیل شده است. در نتیجه، ضرر و زیان آن متوجه همگان خواهد گردید. ما معتقدیم که آمریکا به دلایل سیاسی ناشی از نوع رابطه خود با ایران، اروپا را تحت فشار قرار داده است. به نظر ما اگر اروپا بتواند به عنوان یک قدرت، فشار آمریکا را مدیریت کند، قطعاً ایران و اروپا به تفاهم خواهند رسید و بدین ترتیب هم بحران مهار شده؛ هم سازمانهای بین‌المللی و چندجانبه‌گرایی در زمینه عدم اشاعه، تقویت شده؛ و هم پتانسیل ارتقاء همکاری ایران و اروپا در جهت گسترش و تعمیق صلح و ثبات و امنیت در منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه به منصفه ظهور و عمل در خواهد آمد. ما با امید به آینده و در چارچوب مقررات بین‌المللی تا زمانی که از طرف مقابل صداقت و حسن نیت را ببینیم به دیپلماسی فعال و سازنده خود ادامه خواهیم داد.